



تقریر درس خارج فقه الزکاة آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام	قادر بریسم	جلسه	۴۹	تاریخ	۱۴۰۳ / ۱۱ / ۲۷
عنوان ۱	فقه الزکاة الخاص					
عنوان ۲	زکات الأموال					
عنوان ۳	شرایط وجوب زکات الأموال					
عنوان ۴	مسألة هشتم عروه: حکم اموال موقوفه و نماء آنها					
عنوان ۵	حکم مال موقوف به وقف عام					
عنوان ۶	حکم مال موقوف به وقف خاص					
عنوان ۷	حکم منافع و نماء مال موقوفه					

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطيبين الطاهرين

عرض تبریک به مناسبت ایام میلاد حضرت ولی عصر، حجت بن الحسن، صلوات الله تعالی علیه و علی آبائه الطاهرين؛ تبریک عرض می‌کنیم این ایام را و از خدای متعال طلب می‌کنیم توفیق یاری آن حضرت، اطاعت و نصرتش و توفیق رؤیتش را و التجاء و ابتهاج می‌کنیم به حضرت حق در تعجیل فرج آن حضرت و اینکه به ما توفیق درک زمان ظهور آن حضرت را عنایت کند، ان شاء الله تعالی.

مسألة هشتم عروه: حکم اموال موقوفه و نماء آنها

بحث ما در مسألة هشتم است از مسائلی که مرحوم صاحب عروه بعد از تعرض به شروط وجوب زکات مطرح کرده‌اند. این مسائل متفرقه‌اند، منتها مربوط به همان شروط وجوب زکات است. عبارت مرحوم صاحب عروه چنین است:

مسألة ۸: «لا فرق في عدم وجوب الزكاة في العين الموقوفة بين أن يكون الوقف عاماً أو خاصاً»؛

یعنی زکات به عین موقوفه تعلق نمی‌گیرد و این فرق ندارد که وقف عمومی باشد، مثل عین موقوفه‌ای که برای مسلمانان، برای زوار سیدالشهدا صلوات الله علیه یا برای فقرا وقف شده باشد؛ یا اینکه وقف خاص باشد که کسی آن را برای خانواده‌اش یا فرزندان و ذریه‌اش - که گاهی از آن به وقف ذری تعبیر می‌شود - وقف کرده مثل خانه‌ای که در آن سکنی دارند وقف ذری باشد.

«ولا تجب في نماء الوقف العام»؛

در ادامه بیان می‌شود که در نماء وقف عام همچنین زکات واجب نیست. پس اول بحث خود عین بود. گفتیم خود عین موقوفه، فرقی ندارد اینکه وقف عام باشد یا خاص، زکات در این موارد واجب نمی‌شود. اما نماءش چطور؟ مثلاً باغی

است که نصفش درختان میوه کاشته شده، یا زمین کشاورزی است که برای کشاورزی وقف شده است. آیا منفعت این زمین که از آن به «نماء» تعبیر می شود، زکات واجب است یا خیر؟ حالا در مسأله کشاورزی بعداً بحث می کنیم که اگر زمین وقف شده باشد، یک وقتی زمین با کشتش وقف می شود؛ یعنی زمینی است کشت شده و محصولش بیرون آمده، گاهی این گونه وقف می شود؛ این وقف العین است؛ یعنی همه اش وقف العین است. اگر وقف شده برای فقرا یا وقف شده برای فرزندان نه در خود زمین که معلوم است که زکات به زمین تعلق نمی گیرد؛ چون از اجناس زکویه نیست. در این گندمی هم که در این زمین روییده و عین این گندم وقف شده زکات واجب نمی شود چه وقف عام باشد چه وقف خاص اما ایشان در ادامه می فرماید:

«وَأَمَّا فِي نَمَاءِ الْوَقْفِ الْخَاصِّ فَتَجِبُ عَلَى كُلِّ مَنْ بَلَغَتْ حَصَّتُهُ حَدَّ النَّصَابِ»؛

حالا این مثالی که ما زدیم در مورد وقف العین بود، نه وقف النماء. یعنی اگر زمین کشاورزی است کشتش هم آماده است و خود این کشت را وقف می کند، این وقف العین است و نه وقف النماء. وقف النماء مثل این که باغیست که این باغ وقف شده، این باغ با درختش وقف شده است. اما این باغ میوه می دهد. وقفش هم وقف خاص است. وقف کرده است برای خانواده یا ذریه خودش. میوه های باغ از اجناس زکویه نیستند و زکات به آنها تعلق نمی گیرد.

اما اگر فرض کردیم که باغ میوه ای است که میوه ای که محصول می دهد از اجناس زکویه باشد، مثلاً خرما باشد. این خرمایی که این باغ و نخل می دهد، نماء همان عین موقوفه است. او این باغ را وقف کرده و این خرمایی که می دهد نماء مال موقوفه است. اگر این خرما وقف عام باشد، زکات به آن تعلق نمی گیرد. بنا بر نظری که ایشان دارند به هر فقیر سهمی از خرما که رسید معنا ندارد که زکات به آن تعلق بگیرد. اما اگر وقف خاص بود؛ این باغ را برای خانواده خودش وقف کرده باشد، و حصه هر یک از فرزندان آن فرد که سهمی از خرما دارند و سهم شان به حد نصاب زکات برسد، زکات به آن تعلق می گیرد. به عنوان مثال، اگر این باغ بزرگ باشد و خرمای زیادی تولید کند، و تعداد فرزندان ۴ یا ۵ نفر باشد، هر یک از فرزندان سهمی از خرما دارند و اگر سهم هر فرزند به حد نصاب زکات برسد، در این صورت بر آن زکات واجب می شود. ایشان می فرماید: «وَأَمَّا فِي نَمَاءِ الْوَقْفِ الْخَاصِّ فَتَجِبُ عَلَى كُلِّ مَنْ بَلَغَتْ حَصَّتُهُ حَدَّ النَّصَابِ».

این مسأله را قبلاً مطرح کردیم که اگر افرادی شریک در مال زکوی هستند، باید حصه هر کدامشان به حد نصاب برسد و کافی نیست که کل مال به حد نصاب برسد. باید سهم هر شریک به اندازه نصاب زکات باشد. اگر سهم ها متفاوت است، سهم کسی که به اندازه نصاب می رسد، متعلق زکات می شود؛ اما سهم کسی که به اندازه نصاب نمی رسد، متعلق زکات نخواهد بود. این فرمایش مرحوم صاحب عروه است.

در این مقطع از فرمایش ایشان، چند مسأله وجود دارد که باید تک تک این مسائل را بررسی کنیم.

حکم مال موقوف به وقف عام

مسأله اول، مال موقوف به وقف عام است. منظور از وقف عام این است که وقف به افراد معین اختصاص نداشته باشد. مثل وقف برای فقرا، مساکین، اهل بلد، مسلمین، طلاب و امثال این عناوین عامه که موارد وقف عام هستند. عینی

که موقوف برای وقف عام است، معلوم است که زکات بر آن واجب نیست؛ زیرا که در جای خود در اوائل بحث فقه الزکاة گفتیم که ادله وجوب زکات منصرف از چنین اموال عامه‌ای است. گفتیم که «أَمْوَالِهِمْ» در «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ»^۱، ظهور در اموال اشخاص دارد و نه اموال عامه که به عناوین عامه‌ای مثل فقرا یا مسلمین تعلق می‌گیرد. البته گفتیم که این «أَمْوَالِهِمْ» صدق بر اشخاص معنوی هم می‌شود.

مثلاً شرکتی است که مالک آن اشخاص هستند، اما خود شرکت مالک زمینی است که حاوی یک جنس زکوی است مثلاً گندم بار می‌آورند. هر چند شرکت است اما چون نتیجه و محصول اموال این شرکت در حقیقت متعلق به افراد است لذا هر فردی که سهمی از شرکت داشته باشد و سهم او به اندازه نصاب برسد، زکات به آن تعلق می‌گیرد. البته ما گفته‌ایم که شرکت‌های مجازی به نظر ما صحیح نیست. مثلاً شرکت‌هایی که در بورس شرکت می‌کنند شرکتی را ثبت می‌کنند و برای این شرکت مثلاً ده هزار سهم معین می‌کنند. گفته می‌شود که این سهام را بخرید. خب این سهم‌ها چه هستند؟ شرکت باید مال داشته باشد. کسانی که شرکت تأسیس می‌کنند باید مالی داشته باشند یا اموالشان را روی هم بگذارند، بعد شرکت، تأسیس کنند. وقتی سهامی تعریف و تعیین می‌کنند باید سهام در اموال این شرکت باشد. مثلاً اگر سهام شرکت هزار سهم باشد با خرید هر سهم باید یک هزارم سهام متعلق عین باشد. باید یک هزارم سهام آن شرکت ملک آن شخص باشد. اما اینکه در هوا شرکتی ثبت کنید و بگویید من ده هزار سهم دارم آنها را می‌فروشم. یا اینکه مؤسسين شرکت به عنوان مدعی مثل بعضی بانکها، اموال هم دارند اما می‌گویند شما شریک در اموال نیستید و فقط سهم می‌خرید. خب این سهم چیست؟ گفتیم اینها مصادیق «أَکْلُ الْمَالِ بِالْبَاطِلِ» هستند و هیچ شک و شبهه‌ای هم در آن نیست. بعضی از روش‌های فقهی، روش‌های توجیهی است؛ یعنی اینطور می‌گویند که چیزی که در بازار هست ما بیاییم یک وجه شرعی برای آن بیابیم، این درست نیست. ما باید اول ببینیم شرع چه می‌گوید بعد سراغ بازار و رفتارهای عرفی برویم و ببینیم مطابق شرع هست یا خیر؟ عرف می‌تواند موافق یا مخالف احکام شرع باشد. به هر حال این رویه، درست نیست و وقتی می‌گوییم سهام، یعنی سهام واقعی. مثل وقتی که می‌گوییم پول، واقعی است؛ سهام هم باید واقعی باشد و نه مجازی؛ معنا ندارد که سهام مجازی وجود داشته باشد.

به طور خلاصه، اگر سهام واقعی باشد و اموال این شرکت هم اموال زکویه باشد، اگر سهم هر یک از شرکا از این شرکتی که مال دارد به اندازه نصاب برسد، در این صورت زکات بر سهم‌های آنها تعلق می‌گیرد. به عنوان مثال، اگر یک شرکت چند میلیون تن تولید گندم یا خرما داشته باشد و هزار شریک هم داشته باشد و سهام‌داران، سهم‌هایی داشته باشند که به اندازه نصاب زکات برسد، زکات بر این سهم‌ها واجب می‌شود. مگر سهام‌دارنی که سهمشان به حد نصاب نرسد.

پس در مواردی که مال موقوفه به وقف عام باشد در این صورت زکات بر عین مال تعلق نمی‌گیرد. دلیل این امر هم انصراف آیه «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ» به اموال اشخاص و افراد است و لو اینکه این افراد و اشخاص در عنوان اولی عنوان عامی باشد؛ اما سرانجام ملکیت افراد باشد، مالک اموال این شرکت، افراد و اشخاص هستند. پس زکات به سهام تعلق می‌گیرد به شرطی که سهم هر شریک به حد نصاب برسد. این از مسأله اولی که در فرمایش مرحوم صاحب عروه اشاره شده بود.

حکم مال موقوف به وقف خاص

مسأله دوم، مال موقوف به وقف خاص است. یعنی وقفی که برای اشخاص یا برای ذریه واقف وقف شده است؛ یا حتی برای یک نفر وقف شده باشد، مثلاً برای فرزندش. در این صورت اگر این عین، عینی باشد که زکات به آن تعلق می‌گیرد مثل گاو و گوسفند که این عین را برای فرزندش وقف خاص کرده باشد، اینجا هم ممکن است گفته شود که زکات تعلق نگیرد و درست هم همین است. درست است که این عین را برای شخص خاص وقف کرده و الآن با توجه به این که این شخص مالک این عین است لکن به دلیل عدم تمکن از تصرف مطلق، زکات تعلق نمی‌گیرد. زیرا فرد نمی‌تواند به طور کامل در این مال تصرفات نقل و انتقالی کند. چون وقف به معنای تحبیس العین و تسبیل الثمرة است. عین باید حبس شود و حق تصرف در عین، تصرفی که موجب ازاله عین یا انتقال عین به دیگری شود ندارد. بنابراین اگر خود عین، متعلق زکات است آنجا هم که وقف خاص است زکات به آن تعلق نمی‌گیرد به دلیل عدم تمکن از تصرف کامل. دلیل آن این است که بر اساس دلایل وجوب زکات، زکات بر مال‌هایی تعلق می‌گیرد که صاحب آنها تمکن از تصرف داشته باشد. لذا مال غائب مادامیکه در دسترس مالک نیست زکات بر او واجب نیست. یا کسی که محبوس هست و مال هم دارد، مادامیکه در حبس هست و تمکن از تصرف در مال خودش را ندارد زکات به او تعلق نمی‌گیرد. گفتیم تمکن از تصرف، شرط تعلق وجوب زکات به مال است.

حکم منافع و نماء مال موقوفه

مسأله سوم که واقعاً بحث‌دار است؛ بر خلاف مسأله اول و دوم که بحث چندانی نداشت. به هر حال عین موقوفه را نمی‌توان در آن تصرف کرد. لذا عین موقوفه چه به وقف عام و چه به وقف خاص لا یتعلق بها الزکاة. اما ثمرات و منافع مال موقوفه چه؟ مثلاً در صورتی که یک گاو یا گوسفند برای تولید پشم یا شیر وقف شده باشد، منافع اینها متعلق زکات قرار نمی‌گیرد، چرا که اینها از اجناس زکوی به شمار نمی‌روند. این موارد برای صرف نماء مثال زده شد، نه اینکه متعلق زکات باشند. اما اگر این مال به تولید خرما یا محصولات دیگر همچون خرما که از اجناس زکوی محسوب می‌شوند منتهی شود، زکات بر آنها تعلق خواهد گرفت. همچنین اگر گاو یا گوسفند برای زاد و ولد باشد و تولید مثل کنند، مثلاً شخصی گله گاوی را برای بچه‌اش وقف کرده باشد، خب این گله گاو زکات به آن تعلق نمی‌گیرد حتی اگر به ۳۰ عدد حد نصاب هم برسد، یا گله گوسفندی که به ۴۰ رأس برسد. خب در خود این گاو و گوسفندی که متعلق وقف هستند زکات تعلق نمی‌گیرند. اما اگر این گوسفندها یا گاوها زاد و ولد کنند و تعدادشان به حد نصاب برسد، این زاد و ولد، نماء محسوب می‌شوند و در آنها می‌توان تصرف نقل و انتقالی کند، تمکن از تصرف مطلق وجود دارد؛ لذا زکات به زاد و ولد آنها تعلق می‌گیرد؛ زیرا زاد و ولدها دیگر عین موقوفه نیستند. پس اگر تعداد زاد و ولدها به حد نصاب برسد، زکات به آنها تعلق می‌گیرد. چون این نماء، ملک طلق موقوف علیه است. آن چیزی که عین الوقف است خود گوسفند و گاو است. اما نماءش، مثل خرمای نخل، یا زاد و ولد گاو و گوسفند عین موقوفه نیست؛ بلکه نماء الموقوفه است. این دیگر ملک خاص موقوف علیه است. ملک وقفی نیست؛ بلکه ملک طلق اوست. اگر خود نماء به حد نصاب رسید باید زکاتش را بپردازد.

در وقف خاص گفتیم که شخص مالک این نماء می‌شود؛ یعنی ملک خاص اوست و لذا هیچ اشکالی در تعلق زکات به این نماء نیست. خب در نماء وقف عام چه؟ مثلاً کسی یک گله گوسفندی دارد که برای فقرا وقف کرده، و در

جایی نگهداری می شوند. این گوسفندان زاد و ولد کردند، نماء وقف عام چگونه است؟ حق این است که این وقف عام که می شود، چون وقف عام است، نماءش آیا داخل در ملک است، مثلاً بچه گوسفندی را دادند به کسی برای فقرا، مثلاً مال موقوفه را به کمیته امداد داده اند. کمیته امداد می آید و این بره هایی که تازه به دنیا آمده بودند، بین فقرا تقسیم کرد. اگر فرض کردیم که تعدادی از اینها در مالکیت فقیر به هر شکلی به حد نصاب برسند، به نظر ما اگر به حد نصاب هم رسید، اگر ما قائل شویم به اینکه با قبض این مال در ملک شخصی وارد می شود، قبل از قبض قطعاً زکات واجب نیست. اما بعد از قبض چگونه؟

حالا فرض کنید نماء نخل را به کسی بدهند و قبض حاصل شد. خرما بدهد، مثلاً یک تن خرما که در وقف عام فقرا بود به این انگیزه که این شخص غنی شود به او دادند. به نظر ما اگر این نماء قبل القبض زکات به آن تعلق داشت و لو اینکه در ملکش هم وارد شده باشد - به فقیر گفته اند که این ملک توست - اما همانطور که قبلاً هم گفتیم چون تمکن از تصرف، لازم است و مادامیکه اقباض صورت نگرفته تمکن از تصرف وجود ندارد، زکات واجب نیست. حالا اگر اقباض صورت گرفته باشد و لو اینکه وقف عام باشد، اگر نماء به حد نصاب برسد، زکات واجب می شود. به طریق اولی اگر فرض کنیم که گله گوسفندی وقف فقرا بود و بعد هم چندین بره از این گوسفندان را به فلان فقیر دادند، و گفتند اینها مال توست و به آنها رسیدگی کن، این فقیر هم به اینها رسیدگی کرد، بزرگ شدند و زاد و ولد کردند و ظرف چهار پنج سال خدا برکتی داد و به حد نصاب رسید. زکات به آن تعلق می گیرد، و لو وقف عام باشد. به هر حال چون اقباض شده داخل در ملک خاص این شخص شده است؛ لذا در این صورت زکات به آن تعلق خواهد گرفت.

بنابراین در وقف عام، اگر اقباض نماء حاصل شد و بعد از اقباض چون در ملک شخص وارد می شود اگر به حد نصاب رسید، زکات به آن تعلق می گیرد و در ملک خاص دیگر قبل و بعد اقباض مطرح نیست. در ملک خاص اگر نماء به حد نصاب رسید، زکات به آن تعلق خواهد گرفت. این تمام کلام در این مسأله هشتم است.

و صلّی الله علی محمد و آله الطاهرين